

حقوق والدین بر فرزندان در قالب تعالیم دینی ما تعریف شده است. وقتی از این حقوق یاد می‌شود مجموعه‌ای از آیات و روایات با بزرگان دین ما در ذهن متبادر می‌شود. بنابراین تأکید دینی در این زمینه کم نداریم. هر چند با وجود تهاجمات گسترده فرهنگی در راستای از بین بردن نقش و جایگاه و کارکرد خانواده، همچنان در کشور ما خانواده، محوری‌ترین جامعه والدین محور آن هستند. اما در شرایط امروز که تمام اصول دینی با ذهن استدلالی افراد جامعه به چالش کشیده می‌شوند، حقوق والدین هم گهگاه نادیده گرفته می‌شود. به عنوان نمونه بارها دیده‌ایم فرزندانی که پدر و مادر خود را به دلیل بسر آوردن نگردن کامل انتظارانتشان مشمول آیه «فلا تقلا لهما اف» نمی‌دانند. به بیان دیگر تغییر فرم و ماهیت توقعات فرزندان از والدین هم به میزان رعایت حقوق پدران و مادران تأثیر می‌گذارد و بر این اساس هستند فرزندانی که برای تمکین نکردن از دستورات دینی در زمینه حقوق والدین بی‌بانه تاشی می‌کنند. غافل از اینکه این آموزه‌ها در کشور ما با قانون پشتیبانی می‌شوند و درخصوص عدم رعایت برخی از حقوق والدین جرم‌انگاری هم شده است. کودکان به دلیل بی‌اطلاعی از حقوق خود و ناتوانی در احقاق حقوقشان بیشتر مورد حمایت قانون هستند، بنابراین در زمینه حقوق فرزندان بر والدین و حقوق کودکان بیشتر گفته و شنیده شده است.

بر این اساس می‌توان انتظار داشت کمتر کسی شنیده باشد که شش ماه تا دو سال حبس در انتظار فرزندانی است که نفقه والدین واجب‌النفقه خود را نپردازند. این موضوع از اوایل خردادماه که از سوی دادستان کرمانشاه عنوان شد، مورد توجه ویژه محافل حقوقی قرار گرفته است.

محمدحسین صادقی دادستان کرمانشاه با بیان اینکه مطابق ماده ۱۲۰۰ قانون مدنی نفقه پدر و مادر بر عهده فرزندان است، اظهار داشت: با در نظر گرفتن این ماده قانون، فرزندانی که توانایی مالی دارند، نمی‌توانند از پرداخت نفقه والدین سر باز بزنند.

وی افزود: بر این معنا، رها کردن والدین نیازمند و عدم تأمین هزینه‌ها و مخارج زندگی آنها از سوی فرزندان دارای تمکن مالی جرم است و مشمول کیفر قانونی «بزه ترک انفاق» است.

دادستان کرمانشاه اعلام کرد: حسب ماده ۵۲ قانون حمایت خانواده اگر کسی با داشتن استطاعت مالی از تأدیة نفقه اشخاص واجب‌النفقه امتناع ورده باشد، محکوم به حبس تعزیری از شش ماه تا دو سال محکوم می‌شود.

وی در ادامه با اشاره به احادیث معصومین(ع)، عنوان کرد: حسب نصوص روایی وارده از حضرات معصومین(ع) فرمانبرداری از والدین نشانه ایمان،

نگاه کردن به چهره ایشان عبادت و نیکو رفتاری با آنان از محبوب‌ترین اعمال نزد خداوند شمرده شده است؛ همچنین رضایت ایشان شرط جهاد در راه خدا (در غیر موارد وجوب عینی) است و رضا و غضب الهی در خشنودی یا ناخشنودی والدین از فرزندانشان است و در کوتاهی کردن نسبت به رعایت حقوق ایشان عذری پذیرفته نیست.

■ بزه ترک انفاق و نفق غرض حبس
اما اجرای این قانون سؤالاتی را به ذهن متبادر می‌کند؛ اول اینکه نفقه تحت چه فرمولی برای والدین تعیین و استطاعت مالی فرزندان چگونه سنجیده می‌شود؟

آیا میزان و نوع نفقه برای پدر و مادر متفاوت است؟ مدعی‌العموم به موضوع ورود می‌کند یا رسیدگی به موضوع باید با شکایت والدین باشد؟ قانون در مورد دیگر هم بر حقوق والدین تصریح دارد به طوری که مجازات و کیفر برایش در نظر گرفته باشد؟

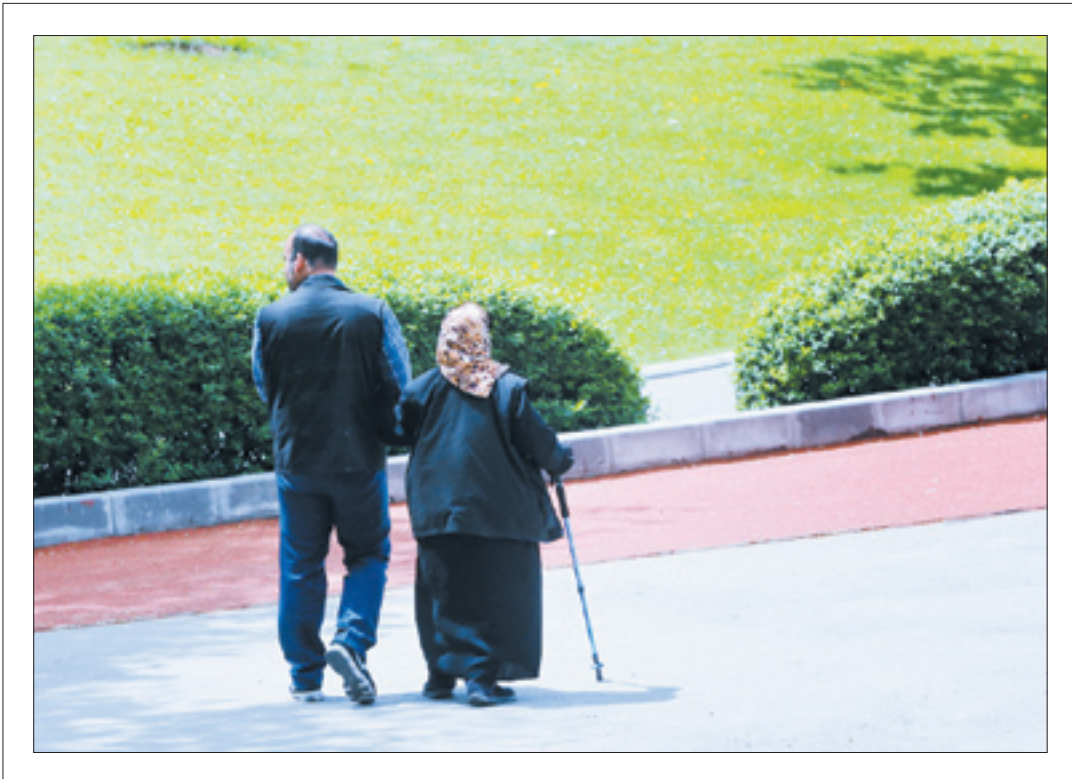
در این رابطه امیرمسعود مظاهری، حقوقدان و استاد دانشگاه به «جوان» می‌گوید: مبنای فقهی الزام شخص به تأدیة نفقه افراد واجب‌النفقه وجود دارد. اعم از زن و فرزند و والدین و اقارب واجب‌النفقه دیگری که سرپرست دیگری ندارند و نفقه‌شان به عهده ذی‌القرربی است.

وی تصریح می‌کند: به بیان دیگر نفقه افراد بر عهده کسی است که در سلسله توارث از او ارث

ببرند. به بیان دیگر کسی که نفعی از ناحیه او متصور باشد واجب‌النفقه است و اقارب وی چون از او نفع می‌برند ضرر هم متوجه آنها می‌شود. لذا مبنای شرعی روشنی دارد. عقلاً هم فرد در صورت تمکن باید به نزدیکان کمک کند. وی می‌افزاید: قانون هم بر همین مبنا با ضمانت اجرائی کیفری الزامی را متوجه اشخاص کرده است، منتها در این میان اشکالی برای تعیین مجازات حبس وجود دارد. در این مورد قانونگذار استفاده ابزاری از حبس کرده که نفق غرض مظاهری تأکید می‌کند: اگر از شخص انتظار

احقاق حقوق والدین با قانون پشتیبانی می‌شود

نپرداختن حقوق والدین از جانب فرزندان در مواردی از ۶ ماه تا ۲ سال حبس در پی دارد



نفیسه ابراهیم‌زاده

توان تأمین هزینه‌های زندگی را ندارد و در عین حال کسی که در این رابطه وظیفه دارد به‌رغم تمکن پرداخت نمی‌کند، دادستان نباید منتظر بماند که اشخاص درخواست کنند. الحاکم ولی من لا ولی له. یعنی اگر احراز کند که اشخاص به‌رغم تمکن مالی نفقه نمی‌پردازند، دادستان باید ورود و کمک کند. علاوه بر اینس رویکرد قانونگذار در حوزه خانواده به صورت سنتی تلاش برای عدم مداخله قضایی و انتظامی است.

■ حقوق والدین در مثلث اخلاق، حرمت و جرم
بنا به گفته این حقوقدان برای برخورد با فرزندانی که نفقه والدین خود را نمی‌پردازند و آنها را در تأمین اولیات زندگی به مشقت انداخته‌اند ظرفیت و مبنای استدلالی به حد کافی وجود دارد.

مظاهری در پایان در مورد سایر مصادیق حمایت قانون از حقوق والدین خاطر نشان می‌کند: در رابطه با جرائم عمومی از تکالیف نسبت به والدین احکام خاصی وجود دارد. مثلاً اگر فرزندی پدر و مادر خود را بکشد از ارت محروم می‌شود. اما بعضی از رفتارها که ممکن است در شرع حکم حرمت داشته باشند در حقوق حمایت نشده‌اند. مثلاً دین دستور داده به والدین خود ترشویی نکنند اما این در قوانین جرم‌انگاری نشده است یا در رابطه با سرقت‌هایی که از والدین انجام می‌شود احکامی به نفع والدین صادر می‌شود. مجموع قوانین پرکنده است و خیلی منسجم نیست.

او اوضاع را بدتر و ضررر را مضاعف می‌کند زیرا نه تنها به خاطر زندانی بودن دلیل محکم‌تری برای عدم پرداخت نفقه پیدا می‌کند، بلکه امرار معاش خودش هم با اختلال مواجه می‌شود، چه برسد به اینکه بخواهد مسئولیت هزینه‌های زندگی فرد یا افراد دیگر را بپذیرد. بر این اساس به نظرم جرمه‌های نقدی، ضبط اموال به نفع اشخاص واجب‌النفقه یا سایر تدابیر غیر از حبس کاراثر است و در این مورد مجازات حبس نقض غرض است.

■ الحاکم ولی من لا ولی له

این کارشناس مسائل حقوقی ادامه می‌دهد: طبیعتاً همه والدین و همسران و فرزندان مخارج

کسانی ندارند تا با فرمول واحدی قابل محاسبه باشد. نفقه در شهرها و روستاها متغیر است. همچنین شئون اجتماعی افراد باعث می‌شود میزان مخارج متفاوت باشد و محاکم با تعیین کارشناس مخارج متعارف زندگی اشخاص را تعیین می‌کنند. از این بابت الزام به پرداخت مبالغ یکسان درست نیست و به لحاظ رویه قضایی هم روش‌های دادرسی این موضوع از جمله موضوعاتی است که باید به کارشناس ارجاع شود.

مظاهری معتقد است: دادستان باید ابزارهای ورود به این حوزه‌ها را داشته باشد چتر حمایتی خود را برای افراد ناتوان گسترش دهد و اگر کسی

حقوق

سرویس اجتماعی

یادداشت

مهریه‌ای که مهر نمی‌آورد

■ ابوالفضل علی دایی احمدی*

موضوع مهریه یکی از رویه‌های نادرست است که تمام شئون زندگی فردی واجتماعی افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از افزایش دعاوی خانوادگی در پی افزایش قیمت سکه گرفته تا جنایاتی که به دلیل ناتوانی زوج در پرداخت آن رخ می‌دهد. از همین رو حل معضل مهریه به عنوان یک دغدغه جدی توسط آیت‌الله مکارم شیرازی مطرح گردید و منتهی به صدور بخشنامه‌ای از سوی رئیس دستگاه قضا شد.

حقیقتاً آنچه امروزه تحت عنوان مهریه مطرح می‌شود غیر از مهریه‌ای است که شرع مقدس تحت عنوان هدیه یا صادقی به جهت ایجاد مهر و محبت بین زوجین و نشان دادن عزم راستین خواستگار به نکاح وضع کرده و به ابزاری برای فشار بر مردان در مواقع ضروری تبدیل شده است. مسیر پیش روی حجت‌الاسلام رئیسی در جهت اصلاح این کجروی‌ها، مسیر ناهمواری است؛ چراکه از یک سو، استمرار این روش غلط موجب ایجاد نوعی عرف نادرست در بین خانواده‌ها شده که اصلاح آن نیازمند وضع قوانین امری است و از سوی دیگر فعالان به‌اصطلاح حامی حقوق زنان (فمینیست‌ها) برخلاف مشی همیشگی خود که غرب را در تمام امور قبیله آمال خود می‌دانند، مدافع سرسخت مهریه، این حکم مترقی اسلامی هستند؛ البته مهریه‌ای که از رسالت اصلی خود خارج شده و اکنون به معضلی اجتماعی تبدیل شده است.

در این راستا با توجه به تجربه موفق قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ که با تعیین مهریه ۱۱۰ سکه، موجب تعدیل مهریه‌های عجیب و غریب سال‌های قبل از آن (سکه به میزان سال تولد یا وزن زوجه) شد، پیشنهاد می‌کنیم، قانونگذار با تعیین میزان وجه ربالی معقول و منطقی به جای سکه، حداکثر مبلغ مهریه قانونی را مشخص کرده و مردمانی را که خواهان تعیین مبلغ بیشتری به عنوان مهریه هستند موظف به ارائه مدارکی مبنی بر استطاعت مالی کند تا افراد به دلیل معذرت‌های اخلاقی حاکم بر جلسه خواستگاری بالاچیز در باتلاق مهریه‌های سنگینی که خارج از توان و حتی اراده واقعی آنهاست، نیفتند. همچنین از آنجاکه عمده متقاضیان واقعی سکه را مهریه‌پردازان تشکیل می‌دهند، ممنوعیت تعیین سکه به عنوان مهریه باعث از بین رفتن حساب قیمتی سکه نیز خواهد شد. اما جهت حل مشکل آن دسته از افرادی که پیش از این، پرداخت سکه را به عنوان مهریه‌زوجه تعیین کرده‌اند، استفاده از تجربه تعیین قیمت مسانه‌نیه به جای دادن مصادیق فقهی آن همچون شتر و گاو و گوسفند و طلا و سایر مواد، می‌تواند راهگشا باشد؛ به این شکل که به جای پرداخت مهریه‌های معادل قیمت روز نقد یا قیمتی که سالانه توسط دستگاه قضایی تحت عنوان قیمت سکه مهریه ابتدای هر سال تعیین می‌شود ملاک عمل قرار گیرد تا علاوه بر جلوگیری از اقدامات هیجانی برخی از بانوان در مطایبه مهریه به نفع افزایش قیمت سکه، از سوداگری دلالتن در این حوزه نیز جلوگیری شود. ***حقوقدان و مدرس دانشگاه**

نگاه

غربت ناهیان از منکر محصول تعارض سیاست جنایی اجرایی و تقنینی!

■ محمدجواد آقباقری*

خبر اخیر جسرارت و حمله به‌بانوی ناهی از منکر در شهر خمam، ضرب و شتم ناهی از منکر در پارک قیصر به تهران حین تذکر به خانم‌های بدون حجاب که در حال بازی والیبال با آقایان بودند، ضربات چاقو در ماه مبارک رمضان به ناهی از منکر در پارک جمشیدبه بعد از تذکر وی درخصوص سنگ‌گردانی چند جوان و اخباری از این دست که مستمراً به‌گوش می‌رسد محصول تعارض سیاست جنایی تقنینی و اجرایی ایران در قبال این دسته از جرائم است.

نیروی انتظامی به عنوان ضابط و مجری قوانین، متعاقب روی کار آمدن هر دولت، مملکرتی متفاوت دارد. گاهی گشت ارشاد، گاهی بی‌تفاوتی مطلق، گاهی طرح بر خورد با سنگ‌گردانی و جمع‌آوری ضربتی سگ‌ها با تجهیزات مخصوص، گاهی بی‌تفاوتی مطلق، گاهی برخورد قانونی با روزه‌خواری در ملاءعام، گاهی بی‌تفاوتی مطلق، گاهی هجوم به پشت‌بام‌ها و معدوم کردن تجهیزات ماهواره‌ها، گاهی بی‌تفاوتی مطلق…

نگارنده درصدد تحلیل قوانین موجود و میزان کارآمدی و تطبیق آنها با شرع مقدس و وضع فعلی جامعه نیست؛ اما مؤکداً بر این عقیده است که اگر با اجرای میلی و سلیقه‌ای قانون توسط مجریان آن رویه‌رو شویم، حاصلی جز شکسته شدن حرمت هنجارها و بی‌گشت‌نایدی‌تری قیغ نقض آن در جامعه نخواهد داشت. صدالبته بدهی‌هی است که این نتیجه صرفاً ناشی از عملکرد مجریان نمی‌باشد کوتاهی‌مفتن در تدوین قوانینی دقیق، صرح و مشخص ساز از کارها وایلی قابل اجرا سهم عمده‌ای در ایجاد آن دارد.

فارغ از قوانین منصوص و تکلیفی به اجرایی آن، اصل واجب امر به‌معروف و نهی‌ازمنکر در زمان تشکیل حکومت اسلامی، در درجه نخست برعهده حکومت است که با ایجاد گروه‌های تخصصی

و آموزش دیده به انجام آن بپردازد.

زمانی بیان شد که مردم را به زور و شلاق نمی‌توان به بهشت برد و با استناد به آیه و ما علیّ الرسول الاّ التبلاغ، لزوم آزادی مردم استنتاج شد! این در حالی است که آیه مذکور، مکی و در زمانی نازل شده است که پیامبر مکرّم اسلام(ص) تشکیل حکومت ننده بودند، اما نگاهی به عملکرد ایشان در مدینه، حاکی از اجرای باقوت احکام الهی است. همانطور که رهبر انقلاب فرمودند: «فرق حاکم اسلامی باحکام دیگر در همین است. حاکم اسلامی می‌خواهد کاری کند که مردم به بهشت برسند؛ به سعادت حقیقی و اخروی و عقبایی برسند، لذا راه‌ها را باید هموار کند. اینجا بحث زور و فشار و تحمیل نیست؛ بحث کمک کردن است.» اتفاقی که در حال حاضر در جامعه رخ می‌دهد این است که ورود حاکمیت در مقوله امر به‌معروف و نهی‌ازمنکر، به دلیل گره‌خوردن آن با اختیارات دولت روی کار، ورودی حداقلی و سینوسی شده است و در این میان، مردم که نقش آنان در زمان حکومت اسلامی صرفاً تکمیلی است، بازیگر اصلی این صحنه شده‌اند و حتی به‌ناچار و به دلیل کوتاهی دولت، در ورطه تقابلی و مراتب بالاتر آن نیز افتاده‌اند. بر خورد فعلی مردم با مردم، محصول مستقیم عدم انجام تکالیف قانونی مجریان و تعارض سیاست جنایی تقنینی و قضایی در این جرائم است. مردمی که در اثر این کوتاهی دولت، با تکلیف تکمیلی خود را به‌فراموشی باید بسپارند یا بدون پشتوانه و در غربت، به ادا ی آن نپردازند.

*** دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی**